

پرسه در خیر

از کتاب علی فرامرزى رونمایى می‌شود

نمایشگاه بُعد چهارم در فرهنگ‌سرای نیاوران

رضا آشفته

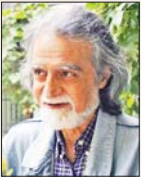
● علی فرامرزى نمایشگاه نقاشى بُعد چهارم و رونمایى از کتاب یادداشت‌هایش (هنرهای تجسمی در رسانه‌های نوشتارى) را روز هشتم دی ۹۶ در گالری فرهنگسرای نیاوران برگزار می‌کند. این نقاش در گفت‌وگو با «شرق» درباره نمایشگاه‌ اخیرش گفت: مجموعه‌ای از کارهایم که به‌لحاظ موضوعی مرتبط با دوره کارهای کوپری‌ام به نام «هجوم» است و در آن بُعد چهارم مطرح است، در این نمایشگاه عرضه می‌شود که این آثار در سال‌های اخیر خلق شده‌اند. فرامرزى بر این باور است که آثار این نمایشگاه به لحاظ اجرایی و موضوعی با دیگر آثارش متفاوت است، چون در آنها بحث بُعد چهارم که بحث تازه‌ای است، مطرح شده است. او در این‌باره گفت: بحث بُعد چهارم برایم به‌عنوان فلسفه هنر بسیار مهم است و در اینجا حجم مطرح می‌شود که تعریف آن به‌لحاظ فیزیکی با تعریفش در فلسفه، ریاضی، فرهنگ و هنر می‌تواند متفاوت باشد. در ریاضی که علم مجرد است، خواه‌ناخواه بحث حجم نیز با فیزیک متفاوت خواهد بود و در فیزیک بعد چهارم مترادف با زمان و حرکت خواهد بود؛ بنابراین به‌دنبال بیان این بحث در نقاشی و هنرهای تجسمی هستم و نه‌هفت در زمینه نظری بلکه در زمینه عملی به‌دنبال این بحث بوده‌ام. بنابراین آنچه خلق می‌شود در حوزه حجمی و در حوزه فرهنگ، معانی و ابعاد دیگری به خود می‌گیرد. او افزود: آنچه باعث خلق می‌شود، به‌عنوان بُعد انسانی مطرح است و در هنرها پیشینه و خالق اثر به‌عنوان بخشی از اثر محسوب می‌شود و بُعد جدیدی به ایجاد فیزیکی و مخصوصا هندسی، اضافه می‌کند که تاکنون دیده نشده و به حساب نیامده است. به‌همین‌دلیل در این مجموعه، بیشتر حجم و نقاشی با هم همراه شده‌اند و توانسته‌اند بُعد چهارم را به‌اصطلاح برگزار کنند و شاید این بحث جدید باشد و قابل بررسی است. بنابر گفته فرامرزى، او در جاده‌ای دیگر نشیده است و شاید هم بوده باشد اما برخوردی نداشته که بُعد چهارم را در نقاشی بخواهند مطرح بکنند، چنانچه پیش از این هم سه بُعدی را در دو بُعدی و سطح، هنرمندانی چون پیکاسو در سبک کوبیسم مطرح کرده‌اند و همواره خود این سطح هم تغییر نکرده است اما فرامرزى به ابعاد هندسی توجه نشان داده و در این اشکال هندسی نقاشی‌ها حجم شده‌اند. فرامرزى بر این باور است که تماشاگران به‌عنوان ناظر طوری با این آثار مواجه می‌شوند که برای دیده‌شدن این آثار هنرى برایشان حرکت ایجاد می‌شود و این حرکت‌ها و مواجهه با آثار یک بُعد دیگر را به نقاشی اضافه می‌کنند. درهرحال این بحث بسیار جذاب و مفصل است که در این مجال کوتاه نمی‌کنجد. مخلص کلام اینکه، او این سطوح را می‌شکند و سطح‌های دو بعدی را در سطوح حجمی مطرح می‌کند. این آثار از سال ۹۳ تاکنون خلق شده‌اند، برخی از این آثار از سقف و وسط گالری آویز می‌شوند و برخی معلق می‌مانند، برخی هم روی پایه قرار می‌گیرند و برخی در ابعاد بزرگ و نزدیک به شش متر و برخی نیز در ابعاد سه یا سه‌ونیم متری خواهند بود و البته در کنار آنها تابلوهایی هم هستند که به دیوار نصب خواهند شد. این آثار مربوط به دوره کوپری هستند. فرامرزى درباره آثار کوپری‌اش می‌گوید: من معتقدم که کوپر دو بُعد دارد و بعد دیگری در پشت آن است که هجوم و تهاجم خواهد بود و این بُعد به‌دلیل زیست‌محیطی ایجاد شده است و این بُعد تهدیدکننده است و من از این دوره به نام هجوم نام می‌برم؛ برای اینکه تحت‌تاثیر هجوم و تخریب برای محیط‌زیست و محیط‌زیست انسانی آن را ایجاد کرده‌ام. سعی کرده‌ام که به هر دو جنبه بحث کوپر نگاه بشود و نه صرفا زیبایی‌شناسی باشد بلکه زیبایی‌شناسی هم به‌لحاظ رنگ‌ها و شفافیت‌ها و هم به‌لحاظ تهدیدها و هجوم در سطح کار اتفاق افتاده باشد. فرامرزى همچنین مجموعه مقالاتش در حوزه هنرهای تجسمی را که پیش از این در روزنامه‌ها و مجلات تخصصی چاپ شده‌اند، در یک کتاب چاپ کرده که در این روز رونمایی خواهد شد. بیشتر این مقالات در روزنامه «شرق» چاپ شده‌اند و این کتاب را نشر نگارینه منتشر کرده است. این مقالات از سال ۹۲ تا به امروز منتشر شده‌اند و همچنین او مقالات دیگری هم دارد که در این سال ۱۳۹۱ منتشر شده‌اند و در صورت توجه و استقبال از این کتاب، در مجموعه‌ای دیگر منتشر خواهند شد. در این مقالات او به هنرهای تجسمی و مسائل آن، مشکلات و موضوعاتی که حول‌وحوش جنبه‌های اجتماعی و اجرای هنرهای تجسمی بوده، پرداخته است. علی فرامرزى (زاده ۱۳۲۹ در تهران) نقاش صاحب‌سبک ایرانی است. آثار او در نمایشگاه‌های گروهی و انفرادی بسیاری به نمایش درآمده است؛ از جمله: انجمن فرهنگی ایتالیا، فرهنگسرای نیاوران، گالری فرامرزى، موزه هنرهای معاصر، فرهنگسرای آثار، نگارخانه کوثر، گالری برگ، نمایشگاه گروهی طراحان معاصر نمایشگاه بین‌المللی، این هنرمند نقاش همچنین برنده دو بورس نقاشان جوان و نیز بورس «آکادمی ۸» در ایتالیا شده است. نمایشگاه بُعد چهارم را ۸ تا ۱۸ دی در گالری فرهنگسرای نیاوران برگزار می‌شود.

فرانک آرتا: «احتمال باران اسیدی» فیلمی از بهتاش صناعی‌ها، این روزها در شبکه خانگی پخش شده و در اختیار همگان قرار گرفته است. این فیلم که در چند جشنواره بین‌المللی حضور داشته و با استقبال هم مواجه شده است، نظر پرویز دوابی، نویسنده و منتقد نامدار سینمایی کشورمان را که سال‌هاست در پراگ زندگی می‌کند، جلب کرده است. دوابی به هر فیلمی نمی‌پردازد، مگر رای و نظرش را جلب کرده باشد و او این بار درباره فیلم «احتمال باران اسیدی» خطاب به صناعی‌ها نامه ای نوشت که از سوی کارگردان به طور اختصاصی در اختیار روزنامه «شرق» قرار گرفت. همچنین درباره این فیلم نیز با کارگردانش گپی زده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

چه شد که آقای دوابی چنین نامه‌ای را برای شما فرستاده است؟

درواقع ایشان زمانی که فیلم من در فستوال پراگ نمایش داشت، موفق نشده بودند فیلم را ببینند و از من خواسته بودند که یک نسخه دی‌وی‌دی فیلم را برایشان بفرستم. کمی بعد یک نسخه از دی‌وی‌دی فیلم را از طریق دوستی در پراگ برای آقای دوابی سلام. فیلم «احتمال باران اسیدی» شما را دیدم و دوست داشتم. به گمانم فیلم خوبی است («به گمان بنده» یعنی با معیارها و فکر و سلیقه برای من فرستادند. باید بگویم نامه را که دیدم واقعا غافلگیر شدم؛ نامه‌ای دست‌نویس با نثری مثال‌زدنی که فقط از او سراغ دارم؛ نثری با جزئیات نگارشی بسیار. پرانتزها، گیومه‌ها و ویرگول‌هایی که همه در تلاش‌اند تا افکار چندلایه‌اش را منتقل کنند. معمولا نامه‌هایش را دستی می‌نویسد و همسرش آنها را برایش تایپ می‌کند، ولی این‌بار چنین نبود. نامه اسکن و سپس ایمیل شده بود. توانستم مقاومت کنم، با کمی پرس‌وجو شماره موبایلش را در پراگ پیدا کردم و با او تماس گرفتم. تماس تلفنی ما بیش از نامه برایم غرورآفرین بود. کسی که با نقدها و ترجمه‌هایش عاشق سینما و ادبیات شده بودم، حال مرا تحسین می‌کرد. از او خواستم که اجازه دهم نامه را منتشر کنم، پرسید چرا؟ گفتم می‌خواهم همه کسانی که به اتهام «سیاه‌نامی» و «تلخی» جلوی اکران فیلم را می‌گرفتند و بعد در مهجورترین و محدودترین شکل ممکن مجوز اکرانش را دادند و دو سال تلاش می‌کردند که فیلم وارد شبکه نمایش خانگی نشود، بدانند که فیلم ما سیاه‌نامی نیست. «گرمی و صمیمیت» درش هست، مفاهیمی مانند «دستِ باری» و «بیا

نامه پرویز دوابی به بهتاش صناعی‌ها پس از تماشای فیلم «احتمال باران اسیدی»:



آقای صناعی‌های عزیز سلام. فیلم «احتمال باران اسیدی» شما را دیدم و دوست داشتم. به گمانم فیلم خوبی است («به گمان بنده» یعنی با معیارها و فکر و سلیقه برای من فرستادند. باید بگویم نامه را که دیدم واقعا غافلگیر شدم؛ نامه‌ای دیدنش بیشتر دور می‌شوم، انکار که بیشتر و عمیقتر و گرم‌تر در آدم جا می‌افتد... بله فیلم «گرم»‌ی است، علی‌رغم ظاهر آرام و ریتم کند و دنیای کوچک و آدم‌های محدودش. خیلی می‌ترسیدم که جزء فیلم‌های شدیداً «هنری» و «نمایشی» روز باشد که خط قصه را می‌شکنند و زمان حال و گذشته و تصور واقعیت را قاطی می‌کنند و درمجموع قصد انگشت‌به‌دهان‌کردن بیننده را دارند. ولی فیلم ساده و صمیمی شما این خصوصیات را نداشت و درعوض پشت آدم‌های اکثرا کم‌حرف و قصه‌ظاهرا اندکش، «مایه» (و یا «درون‌مایه») می‌خواهم همه کسانی که به اتهام «سیاه‌نامی» و «تلخی» جلوی اکران فیلم را می‌گرفتند و بعد در مهجورترین و محدودترین شکل ممکن مجوز اکرانش را دادند و دو سال تلاش می‌کردند که فیلم وارد شبکه نمایش خانگی نشود، بدانند که فیلم ما سیاه‌نامی نیست. «گرمی و صمیمیت» درش هست، مفاهیمی مانند «دستِ باری» و «بیا

سوته‌لران در هم آیم» درش هست... «امید» درش هست...؛ همان چیزی که در مدیریت آقایان نیست، هرچند که شعارش را می‌دهند... مکثی کرد و گفت: «اشکالی ندارد. هرچند که سال‌هاست نظر رسمی راجع به فیلمی ن داده‌ام، ولی اگر این نامه می‌تواند نگاهی را تغییر دهد منتشرش کن.»

نگاه پرویز دوابی به فیلم «احتمال باران اسیدی»

فیلم گرمی است



ی اساسی و مهمی بود به نظر؛ «بیا سوته‌لران کرد هم آیم...» و این پیوند آدم‌های به ظاهر نامتجانس در این دنیای محدود، انکار که به یک راه نجات برای این‌جور آدم‌ها (و یا هر آدمی) اشاره دارد، که معنی «دست باری» باشد... انتخاب شخصیت‌ها بسیار خوب است و بازی‌های آنها (که واقعا «بازی» نیست) درجه اول و برخوردار از ظرافت‌هایی- مثل سراسر فیلم- بی‌ظاهر و زیبا است و فیلم- باین‌همه- از جامعه (و اظهارنظر تلویحی نسبت به آن) جدا نیست... به شما و همه دست‌اندرکاران فیلم باید درود فرستاد و برایتان توفیق آرزو کرد. برای آن دخترخانم (مریم مقدم) در برابر دیگران، به‌خاطر بازی ظریف و سناریوی سنجیده‌ای که درش دست داشته‌اند و البته در رأس همه به شما و سهم‌گذاری‌ها که این بساط را به‌پا کرده و راه انداخته‌اند... فیلم را باز خواهم دید. برایتان توفیق آرزو دارم و امیدوارم که فیلم (علاوه بر جوایز) حتما نزد عامه هم مقبول بیفتد... با ارادت.

● **فیلم احتمال باران اسیدی وارد شبکه خانگی شده که دوران اکرانش را پشت‌سر گذاشته است و درعین‌حال استقبال در کشورهای مختلف را پیش‌رو داشته، اما این استقبال چه تفاوتی با اقبال در ایران داشته است؟** درباره مخاطبان باید بگویم خوشبختانه، چه

در داخل و چه در خارج از کشور مخاطبان ارتباط یکسان و بسیار خوبی با فیلم برقرار می‌کنند و این از تجارب ارزشمند فیلم اول برای من بود. به‌هرحال این فیلم در جشنواره‌ها و کشورهای متعددی به نمایش گذاشته شد. اینکه در کشورهای مختلف و با فرهنگ‌ها و زبان‌های گوناگون، همه، حرف اصلی و دغدغه فیلم را متوجه می‌شوند و با شخصیت‌های فیلم همذات‌پنداری می‌کنند برای من خیلی ارزشمند بود. در مورد انتشار نسخه نمایش خانگی و اینترنتی هم باید بگویم که واقعا غافلگیرکننده بوده؛ انکار که فیلم تازه متولد شده را زندگی جیدیش را آغاز کرده است. فیلم در کمتر از دو ماه نزدیک به ۱۰هزاربار فقط از سایت‌های مجاز دانلود شده و این برای یک فیلم مستقل و غیرتجاری مثل «احتمال باران اسیدی» یک موفقیت محسوب می‌شود. دی‌وی‌دی فیلم هم در همین زمان کوتاه دوبار تجدیدانتشار پیدا کرده است. این نشان می‌دهد که فیلم به مرور مخاطبان خودش را پیدا می‌کند و خواهد کرد. در اینجا لازم است یک تشکر هم از مدیران گروه «هنر و تجربه» بکنم که با وجود امکانات کم، در مدت اکران دوساله این فیلم تمام تلاش خود را برای بیشتر و بهتر دیده‌شدن آن کردند. هرچند که با سالن‌ها و ستانس‌های محدود کار سختی به نظر می‌رسید.

● **چرا در بیشتر کارها، شما و مریم مقدم با هم همکاری می‌کنید و این همکاری چگونه شکل گرفته است؟**

همکاری با مریم برای من لذت‌بخش است. اصولا کارکردن با کسی که از نظر سلیقه، جهان‌بینی و زیست هنری با تو مشترکات زیاد داشته باشد بهترین نوع همکاری است. حال اگر این‌ فرد یار زندگی تو باشد که طبیعتا جذاب‌تر هم می‌شود. ما این شانس را داریم که ساعت‌ها و روزها و ماه‌ها درباره کارهایمان با هم صحبت کنیم یا بر سر اختلاف‌سلیقه‌مان در موردی خاص با هم کلنجار برویم. به نظر هر اثر هنری از دل ساعت‌ها چکش‌کاری ذهنی زاییده می‌شود و ما این امکان را داریم که هردویمان ذهن‌های یکدیگر را چکش‌کاری کنیم و ایده‌هایمان را قوام بدهیم، البته این به آن معنا نیست که قرار است همیشه با هم کار کنیم، بلکه هرکدام کارهای مستقل خودمان را هم داریم، ولی تلاشمان این است که تا جای ممکن، ایده‌های مشترکمان را به نتیجه برسانیم.



قرايي: «سدمعبر» بی‌کم‌وکاست اکران خواهد شد



درباره شرایط اکران این فیلم سینمایی که متعویق افتاده است، به «شرق» گفت: «خيلي خوشحالم که پس از پيکيري‌های بسيار، امکان اکران فیلم فراهم شده و «سدمعبر» پس از فیلم «بُت» با سند



درباره چند نمایش اخیر بایتخت

تأیید الیور توییست

کرد با با حواله‌کردن رموز موفقیت‌کار به گردن فاکتورهای فرعی و خوارچ از حوزه نمایش تلاش و زحمت گروه بی‌شمار پشت این اثر را که اتفاقا همه تأثاری هستند، به باد داد. از بالا به آن نگاه کرد و با انگ و تهمت و فرافکتی و سروپوش‌نهادن بر تنگ‌نظری و حسادت‌های نهاده‌پیشه‌شده چشم بر واقعیت‌های انکارناپذیر این نمایش بست. چه بخواهیم، چه نخواهیم، الیور توییست اثری راهگشاست. بی‌شک در ادامه، توانمندان عرصه نمایش به فکر به‌صحنه‌بردن داستان‌های بومی در قامت این شکل و شمایل خواهند بود. با پشتکاری که در حسین پارسایی هست و با اتکا به گروه حرفه‌ای همراهش که با هوشمندی در این نمایش گرد آورده، دور نخواهد بود که آثار درخشان دیگری را در سال‌های آتی به صحنه ببرد؛ شک نکنیم.

کاوبازی
نمایش «کاوبازی» نوشته مایک بارتلت و کارگردانی احسان پایدار از روز دوشنبه؛ ۲۷ آذر ساعت ۱۸:۳۰ در تالار حافظ به صحنه رفت. مراسم افتتاحیه این نمایش روز دوشنبه ساعت ۱۸ برگزار شد و گروه اجرایی نمایش برنامه ویژه‌ای را برای این مراسم در نظر گرفته بودند. نمایش‌نامه «Bull» با این مایک بارتلت که گروه اجرای نمایش، آن را با عنوان «کاوبازی» به روی صحنه می‌برد،

زیر آسمان فیروزهای

همکاری ارکستر فیلارمونیک تهران و امامیار حسن‌اف در تالار وحدت

● **گروه هنر:** ارکستر فیلارمونیک تهران به رهبری آرش گوران در ۱۳ دی در تالار وحدت به اجرای قطعاعتی می‌پردازند و امامیار حسن‌اف، نوازنده برجسته کمانچه آذری، تک‌نوازی کمانچه را در این اجرا برعهده خواهد داشت. از آنجایی که ارکستر فیلارمونیک تهران در ریپرتوار اخیر در کنار اجرای دیگر آثار، تصمیم به اجرای یک قطعه آذری دارد، از حسن‌اف دعوت کرده تا به‌عنوان نوازنده‌ای خاص (virtues) در کنار ارکستر قرار بگیرد و لحن آذری را به اجرای آن بیفزاید. امامیار حسن‌اف، نوازنده برجسته کمانچه، اهل جمهوری آذربایجان و ساکن آمریکاست. او به‌واسطه نوازندگی با کیفیت بسیار بالای ساز کمانچه آذری از شهرت خوبی در دنیا برخوردار است. همچنین در این اجرا قطعات جدیدی از سوی ارکستر فیلارمونیک تهران اجرا خواهند شد که تا پیش از این از سوی این ارکستر اجرا نشده‌اند. اجرای آثاری از «گریگ»، «سوندنسن»، «کمیتاس» و «حسن ممدوف» از جمله برنامه‌های این اجرا خواهد بود. در کنار آرش گوران که رهبری ارکستر را برعهده دارد و امامیار حسن‌اف که نوازنده میهمان ارکستر است، یانید فریوسفی، کنسرت‌ماستر و پیمان ابوالحسنی مدیریت اجرایی را برعهده دارند. این اجرا، ساعت ۲۱:۳۰ چهارشنبه ۱۳ دی در تالار وحدت خواهد بود و تهیه بلیت از طریق سایت ایران‌کنسرت انجام می‌شود.

نمایشگاه کریم‌مسیحی در «دنا»

● **گروه هنر:** نمایشگاهی از آثار عکاسی یوریک کریم‌مسیحی، داستان‌نویس، طراح گرافیکست، عکاس و منتقد هنری تا چهارم دی در گالری دنا برپا شده است. این نخستین‌بار است که کریم‌مسیحی اقدام به برگزاری نمایشگاهی از آثار عکاسی خود می‌کند. عکس‌های به‌نمایش‌درآمده در این نمایشگاه متعلق به دهه ۷۰ است. کریم‌مسیحی بعد از آن سال‌ها دیگر عکاسی نکرده و بیشتر به نوشتن روی آورده است. از کتاب‌های او در حوزه خوانش و نقد عکس می‌توان به «عکس و دیدن عکس»، «در جهت عکس: ۳۹ عکس، ۳۹ جستار»، «شب سپیده می‌زند: ۳۶ عکس فیلم، ۳۶ جستار» و «شب سپیده می‌زند، باری دیگر: ۵۵ عکس فیلم، ۴۸ جستار» اشاره کرد.

پس از ناظری، علیرזה و شجریان

جایزه مولانا به محمد معتمدی رسید

● جایزه سالانه مولانا با عنوان «آوای مولانایی» در سال ۱۳۹۶ به محمد معتمدی رسید. جایزه مولانا در بخش موسیقی هفت نفر را به‌عنوان هیئت داورى دارد که کارشناسان بحث مولوی‌شناسی هستند. این کارشناسان در طول سال خوانندگان یا موزیسین‌هایی را که آثاری با محوریت مولانا دارند بررسی می‌کنند و از میان آنها کاندیداهایی را برای گرفتن این جایزه انتخاب می‌کنند.امسال علیرضا قربانی و محمد معتمدی کاندیدهای گرفتن جایزه «آوای مولانایی» بودند. در نهایت با بررسی‌های صورت‌گرفته این جایزه به محمد معتمدی رسید. معتمدی در آثارش استفاده بیشتری از آثار مولانا داشته و نظر مردمی هم بیشتر به سمت معتمدی بوده است. از میان هفت داوری که بخش موسیقی را بررسی می‌کنند، پنج نفر به معتمدی رای داده‌اند تا این خواننده با قطعیّت جایزه مولوی را از آن خود کند. جایزه «آوای مولانایی» از سال ۱۳۸۹ تاکنون به اهالی موسیقی اهدا می‌شود و شهرام ناظری، رامبد صdif، محمدرضا شجریان، سالار غفیلی و حسین علیرزاده در دوره‌های گذشته این جایزه را گرفته‌اند.

ادامه از صفحه ۹

این همه شجبده‌ها عقل که می‌کرد...

می‌شود به این گروه هم حق داد اما فراموش نکنیم که جامعه ما در مادی‌ترین شکل ممکن قرار گرفته و فضیلت‌ها به مرور جایشان را در دست داده‌اند. پس هنرمند هم حق دارد که به فکر زندگی پرهیزنه خود باشد و چرا نباشد وقتی افرادی ظاهرالصلاّح، با چمدان‌های پُر از دلار قرار کردند و سر از قمارخانه‌های ینگه دنیا درآوردند یا در همین سرزمین فراخ‌البال در حال شمارش میلیاردی هستند؟ باری سر آن ندارم که این نمایش را قیاس کنم با مثلا روز حسین (که متن کاملش را خوانده‌ام با عشقه که جسارت‌آمیزترین نمایشی است که با مضمون تاریخ اسلام اجرا شده یا حتی کارهای غیرمذهبی و غیرتاریخی رحمانیان. اما در قیاس با مثلا ترانه‌های قدیمی - نخستین کار در این مسیر- پیکان جوانان اثر بهتر و پخته‌تری نیست. نوعی تعجیل در نوشتن و به‌صحنه‌بردن در این نمایش دیده می‌شود که شاید به یکی از دلایلش ممیزی‌های فراوانی باشد که هم برای رانگوی خود قرار داده‌اند. رحمانیان سرشار از سواد و تجربه است و حق بزرگی بر گردن تئاتر امروز ایران دارد. همان حقی که زمانی اکبر رادی، بهرام بیضایی، عباس جوانمرد و حمید سمنریان داشتند.